



A Comparative Study of the Verse of *Ikmal* from the Perspective of Fakhri Razi and Allameh Tabataba'i

Ruhollah Mohammadi¹

Received: 09/02/2022

Accepted: 08/06/20200

Abstract

One of the important Islamic issues is the leadership of the society after the Prophet has been the issue of conflict between Islamic thinkers for past few centuries. This paper uses a descriptive-analytical method and uses library sources to study the interpretive views of Fakhri Razi and Allameh Tabataba'i comparatively about the verse of *Ikmal* ("Today, I have perfected your religion for you, and I have completed My blessing upon you, and I have approved Islam as your religion.", Qur'an: 5:3) and through explaining the basics of the two views, points out the commonalities and differences between the two and finally criticizes the controversy over the verse. These two interpreters agree on some issues, such as the type of intertextual view in explaining the verse. However, regarding the interpretation of the word *al-Youm*, the cause and time of revelation and the meaning of the verse have different views. Some of the most important principles of Fakhri Razi is to refer to literary-verbal contexts and topics, the sayings of the Sahabah (companions) and followers as being evidence without mentioning the opposing narrations, the belief in consensus, and the belief in the absence of the text of appointing an Imam. In contrast, considering the Prophet's and Ahl al-Bayt tradition as evidence in interpretation, believing in the necessity of the text in determining the Imam and paying attention to the correct narrations as the cause of revelation and believing in the exclusive meaning of the verse on Ali are some of the most important principles of Allameh Tabataba'i in explaining the meaning of the verse.

Keywords

Verse of *Ikmal*, Imam Ali, *Ikmal Din*, completion of blessings, Allameh Tabataba'i, Fakhri Razi.

1. Assistant Professor, University of Sciences and Ma'arif of the Qur'an, Shahroud. Iran.
roohollah.mohammadi88@gmail.com.

* Mohammadi, R. (1401 AP). A Comparative Study of the Verse of *Ikmal* from the Perspective of Fakhri Razi and Allameh Tabataba'i. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 4(11), pp. 177-205.
DOI: 10.22081/JQSS.2022.63299.1169

دراسة مقارنة لـ "آية الإكمال" من منظور فخر الرازي والعلامة الطباطبائي رحمتهما الله

روح الله محمدي^١

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٢ / ٠٢ / ٠٩ تاريخ القبول: ٢٠٢٢ / ٠٦ / ٠٨

الملخص

من أهم القضايا الإسلامية هي قيادة المجتمع بعد النبي صلى الله عليه وآله، والتي كانت مكاناً للصراع بين المفكرين الإسلاميين على مدار القرون الماضية. يستخدم هذا المقال المنهج الوصفي التحليلي ومصادر المكتبة، وبالمقارنة، يدرس الآراء التفسيرية لفخر الرازي والعلامة الطباطبائي حول آية الإكمال، ومن خلال شرح مبادئ الرأيين، يشير إلى الاشتراكات والاختلافات بينهما. يتفق هذان المفسران للقرآن على الدلالات السياقية الداخل النصية في شرح الآية، غير أنهما يختلفان في تفسير كلمة اليوم وسبب نزول الآية ووقت نزولها ودلالاتها. ومن أهم مبادئ فخر الرازي، الاستشهاد بالسياق والمباحث اللفظية الأدبية، وحجية قول الصحابة والتابعين، وعدم ذكر الروايات المعارضة، وحجية الإجماع، والاعتقاد بعدم النص على الإمام. بالمقابل حجية سنة النبي صلى الله عليه وآله وأهل البيت عليهم السلام في التفسير، وضرورة النص في تحديد الإمام، والاهتمام بروايات أسباب النزول الصحيحة و دلالة آية الإكمال على علي عليه السلام حصراً، من أهم مبادئ العلامة الطباطبائي في تفسير آية الإكمال.

المفردات المفتاحية

آية الإكمال، علي عليه السلام، إكمال الدين، إتمام النعمة، العلامة الطباطبائي رحمته الله، فخر الرازي.

١. استاذ مساعد جامعة علوم ومعارف القرآن الكريم، شاهرود، إيران. roohullah.mohammadi88@gmail.com

* محمدي، روح الله. (٢٠٢٢). دراسة مقارنة لـ "آية الإكمال" من منظور فخر الرازي والعلامة الطباطبائي رحمتهما الله؛ فصلية علمية ترويجية لدراسات علوم القرآن، ٤(١١)، صص ١٧٧ - ٢٠٥. DOI: 10.22081/JQSS.2022.63299.1169

بررسی تطبیقی آیه اکمال از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبائی رحمتهما الله

روح‌الله محمدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

چکیده

یکی از مسائل مهم اسلامی، رهبری جامعه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است که محل نزاع اندیشمندان اسلامی طی قرون گذشته بوده است. این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های تفسیری فخر رازی و علامه طباطبائی درباره آیه اکمال می‌پردازد و با تبیین مبانی دو دیدگاه، به نقاط اشتراک و افتراق آن دو اشاره می‌کند و در پایان به نقد مناقشات درباره آیه می‌پردازد. این دو مفسر در پاره‌ای از مباحث، همچون نوع نگاه درون‌متنی در تبیین آیه اشتراک نظر دارند؛ اما درباره تفسیر واژه الیوم، علت و زمان نزول و دلالت آیه اختلاف دارند. از مهم‌ترین مبانی فخر رازی، استناد به سیاق و مباحث لفظی ادبی، حجیت قول صحابه و تابعین بدون ذکر روایات مخالف، حجیت اجماع، اعتقاد به عدم وجود نص تعیین امام است. در مقابل، حجیت سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در تفسیر، اعتقاد به وجوب نص در تعیین امام و توجه به روایات صحیح اسباب نزول و اعتقاد به دلالت انحصاری آیه بر علی علیه السلام از مهم‌ترین مبانی علامه طباطبائی رحمتهما الله در تبیین دلالت آیه است.

کلیدواژه‌ها

آیه اکمال، علی علیه السلام، اکمال دین، اتمام نعمت، علامه طباطبائی رحمتهما الله، فخر رازی.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شاهرود. ایران. roohollah.mohammadi88@gmail.com

* محمدی، روح‌الله. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی آیه اکمال از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبائی رحمتهما الله. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم و قرآن، ۴(۱۱)، صص ۱۷۷-۲۰۵.
DOI: 10.22081/JQSS.2022.63299.1169

مقدمه و طرح مسئله

رهبری جامعه اسلامی بعد از پیامبر ﷺ یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در تاریخ اندیشه اسلامی است که اهل سنت قائل به خلافت و شیعه قائل به امامت شده‌اند. یکی از آیاتی که با این موضوع ارتباط دارد و مفسران درباره آن، اختلاف نظر دارند، بخشی از آیه ۳ سوره مائده، معروف به آیه اکمال است: «... الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اِخْشَوْنَ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا...».

در این آیه شریفه سخن از یک روز بسیار بزرگ و باشکوه است که نقطه عطفی در اسلام است؛ روزی که چهار ویژگی در آن جمع شده است: کافران در آن روز مأیوس شدند (الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ)، دین اسلام کامل شد (الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)، نعمت خدا کامل گردید (وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي) و خداوند آیین اسلام را به‌عنوان آیین نهایی مردم جهان پذیرفت (وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا).

حال باید دید منظور از «الیوم» که دو بار در آیه تکرار شده، چه روزی است و منظور از اکمال دین و اتمام نعمت چیست و چه ارتباطی بین دو بخش آیه «الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا...» با «الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» وجود دارد.

به نظر می‌رسد تنها راه پی‌بردن به این قضیه مراجعه به روایات تفسیری و شأن نزول آیه است که تقریباً همه مفسران نظر برگزیده خود را با مبنا قرار دادن روایات، دلالت آیه را بیان کرده‌اند، حتی علامه طباطبایی با آنکه نسبت به اعتبار روایات شأن نزول با دیده شک و تردید می‌نگرد و اکثر آنها را دستخوش اجتهاد و تطبیق راوی می‌داند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۷۴)، در این آیه پس از احتمالات مفسران و پاسخ به آنها، تفسیر خود را بر مبنای شأن نزول بیان می‌کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۷۱).

در میان مفسران علامه طباطبایی از شیعه و علامه فخر رازی از اهل سنت از جمله کسانی هستند که به شیوه درون‌متنی به تحلیل آیه پرداخته‌اند. فخر رازی در تفسیر آیات مربوط به ولایت از حد اعتدال خارج شده و در پایان مباحث مربوط به ولایت، انبوهی از اشکال و تشکیک را علیه تفکر شیعه مطرح می‌کند. در مقابل، علامه طباطبایی از

جمله کسانی است که قاطعانه به این اشکالات پاسخ داده است. آیاتی که شیعیان در مورد اثبات بلافضل امام علی علیه السلام بر آن استدلال کرده‌اند و فخر رازی در آنها مناقشه کرده، بیش از آن است که در یک مقاله قابل بررسی باشد؛ بنابراین این پژوهش به بررسی تطبیقی دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبایی درباره آیه اکمال می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش‌ها است: مبانی علامه و فخر رازی در تفسیر آیه کدام‌اند؟ نقاط اشتراک و افتراق دو دیدگاه در تبیین دلالت آیه کدام‌اند؟ چه نقدهایی به دیدگاه فخر رازی وارد است؟

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره آیات ولایت در قرآن به شکل عام صورت گرفته است. از جمله سیدارشد حسین کاظمی در مقاله «بررسی تطبیقی آیات تبلیغ و اکمال از دیدگاه فریقین» (مجله طلوع نور (طلوع) تابستان ۱۳۸۵، شماره ۱۸) به بررسی تطبیقی دو آیه از آیات ولایت پرداخته است. ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۱)، در کتاب آیات ولایت در قرآن، در سه فصل به شرح و تفسیر آیات خلافت و زعامت مسلمانان، آیات فضائل اهل البیت علیهم السلام و آیات فضائل مخصوص حضرت علی علیه السلام پرداخته است. فتح‌الله نجارزادگان در کتاب بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل‌بیت علیهم السلام در دیدگاه فریقین، به‌طور کلی به بررسی دیدگاه شیعه و سنی در تفسیر آیه اکمال می‌پردازد و اذعان می‌کند شیعه با توجه به مفاد آیه، شرایط نزول و مضامین احادیث، علت نزول آیه را اعلان ولایت امام علی علیه السلام می‌داند و اهل سنت در تبیین مفاد آیه دچار اختلاف نظرند و درباره علت نزول آیه نیز احتمال‌های متعددی را مطرح کرده‌اند که توجیه‌پذیر نیست. سیدمحمدباقر حجتی و مریم هرمزی شیخ‌طبعی در مقاله «نقد و بررسی دیدگاه‌های تفسیری فخر رازی در باب دو آیه تبلیغ و اکمال» (نشریه صحیفه مبین، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴۶)، به نقد دیدگاه‌های فخر رازی درباره این دو آیه پرداخته‌اند. مهدی ارجمندفر در مقاله «بررسی تناسب آیه اکمال با ابتدای آیه» (فصلنامه ادبیات و علوم انسانی، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۹۱)، دیدگاه‌های مختلف مفسران را درباره ارتباط صدر و ذیل آیه بیان کرده است. احمد

قرایی سلطان‌آباد، در مقاله «تبیین فهم آیه اکمال دین براساس نظم فراخطی قرآن» (پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، بهار و تابستان ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۱، پیاپی ۱۱)، به بررسی هماهنگی یا عدم ارتباط ساختاری و تلازم معنایی آیه اکمال با قبل و بعد آن از دیدگاه برخی مفسران می‌پردازد.

برخی پژوهش‌ها به شکل تطبیقی درباره آیه اکمال صورت گرفته است؛ اما همه به شکل کلی به تطبیق دیدگاه شیعه و اهل سنت پرداخته‌اند و هیچ‌یک به بررسی تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی نپرداخته‌اند که هدف این نوشتار است.

۲. تحلیل واژگانی

یوم: در لغت به معنای روز است. معمولاً به فاصله زمانی از طلوع تا غروب خورشید (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۸۲) و نیز مدتی از زمان و وقت را یوم گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۹۴). برخی لغت‌شناسان برای واژه یوم معنای مطلق وقت را نیز ذکر کرده‌اند (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۲۸۰). این واژه در قرآن به معانی مختلفی به کار رفته است: ۱. مدت زمان طلوع فجر تا غروب خورشید؛ بنابراین معنای یوم مترادف نهار است و به معنای روز در مقابل شب به کار می‌رود، مانند «إِذْ تَأْتِيهِمْ حَيَاتُهُمْ يَوْمَ سَبِّهِمْ سُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْتُونُ لَأْتِيهِمْ» (اعراف، ۱۶۳). ۲. مجموع شبانه‌روز مانند: «أَلَا تَكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَفْرًا» (آل‌عمران، ۴۱). یعنی سه شبانه‌روز. ۳. عصر، روزگار و برهه‌ای از زمان، مانند: «تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل‌عمران، ۱۴۰). ۴. مرحله یا دوره: چنان‌که درباره آفرینش آسمان و زمین می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» (اعراف، ۵۴). ۵. قیامت: بیشترین استعمال واژه یوم در قرآن کریم مربوط به روز قیامت است. سَرَّ اینکه از قیامت به یوم تعبیر می‌شود، آن است که مرحله دیگری از نظام هستی و مرحله پایانی آن است، مانند: «مَلِكِكِ يَوْمَ الدِّينِ» (فاتحه، ۴؛ نیز ر.ک: بقره، ۸ و...؛ آل‌عمران، ۹ و...).

اکمال: معنای اکمال و اتمام به هم نزدیک‌اند؛ برخی لغت‌شناسان کمال را به تمام معنا کرده‌اند (فیروزآبادی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۸۸). راغب می‌گوید: «کمال شیء به معنای به‌دست آمدن آنچه در آن شیء بوده و غرض از آن است، می‌باشد و کَمَلَ ذَلِكَ به

معنای آنچه غرض از آن بوده به دست آمد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۲۶).

اتمام: این کلمه از ماده «تمم» به معنای تمام و کامل یا سخت و محکم شد است (انیس و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۸۳). تمام الشیء: رسیدن چیزی به حدی است که نیازی به چیز دیگر از بیرون خود ندارد؛ اما ناقص نیاز به چیز خارج از خود دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶۸). شهید مطهری در بیان تفاوت اکمال با اتمام چنین می گوید: فرق اتمام با اکمال این است که «تمام» در جایی گفته می شود که یک چیز اجزایش باید پشت سر یکدیگر بیاید. تا وقتی که هنوز همه اجزایش مرتب نشده، می گوئیم ناقص است؛ وقتی که آخرین جزئیش آمد، می گوئیم تمام شد. مثل یک ساختمان تا همه اجزایی که برای آن لازم است - که اگر نباشد از آن ساختمان نمی شود استفاده کرد - نباشد، می گوئیم این ساختمان تمام نیست. وقتی همه اجزا بود، به طوری که بتوان در آن سکنی گزید، می گوئیم تمام شد. در مسئله «کامل» این طور نیست که شیء غیر کامل جزء ناقصی دارد، بلکه ممکن است هیچ جزء ناقص و ناتمامی نداشته باشد، ولی هنوز کامل نباشد؛ مثلاً یک جنین در رحم مادر به حد تمام می رسد؛ یعنی همه ساختمانش تمام می شود، بچه هم به دنیا می آید، ولی هنوز انسان کاملی نیست؛ یعنی آن رشدی را که باید بکند نکرده است. رشد کردن غیر از این است که جزء ناقصی داشته باشد. در واقع اختلاف کامل و تمام با یکدیگر اختلاف کیفی و کمی است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۵۵). رَضِیْتُ: از ماده «رضی» به معنای برگزیدن و اختیار کردن است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۲۹).

۳. بیان دیدگاهها

درباره آیه اکمال، علامه طباطبایی و فخر رازی در پاره‌ای از مطالب اتفاق نظر دارند؛ اما درباره برخی فقرات آیه اختلاف نظر دارند که به آنها پرداخته می شود.

۳-۱. دیدگاه فخر رازی

۳-۱-۱. منظور از یوم

فخر رازی دو تفسیر برای آیه بیان می کند که بنابر تفسیر نخست، واژه یوم به معنای

«دوره‌ای از زمان» و بنابر تفسیر دوم، منظور از یوم، «روز عرفه» است.

تفسیر نخست: آیه نظر به روز خاص و حادثه ویژه‌ای ندارد، بلکه از شروع و آغاز دوران عظمت اسلام و فرارسیدن دوران یأس و ناامیدی کفار خبر می‌دهد، به‌ویژه که استعمال کلمه یوم در این معنای مجازی در بین مردم متعارف است؛ مثل اینکه گفته می‌شود دیروز جوان بودم و امروز پیر شدم، یعنی دوران جوانی (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۶).

فخر رازی احتمال می‌دهد که واژه الیوم در آیه به معنای مجازی باشد؛ یعنی دوران و برهه‌ای از زمان، نه یک قطعه کوتاه از زمان. طبق این تفسیر، آیه به روز خاص و حادثه ویژه‌ای نظر ندارد، بلکه از آغاز دوران عظمت اسلام و فرارسیدن دوران یأس و ناامیدی کفار خبر می‌دهد.

تفسیر دوم: ایشان با استناد به برخی روایات می‌گویند: این آیه در روز جمعه در آخرین حج پیامبر نازل شده است و منظور از الیوم روز عرفه سال دهم هجرت است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، صص ۲۸۷-۲۸۶).

طبق این تفسیر کلمه یوم در معنای حقیقی به کار رفته است که همان روز خاص است، یعنی روز عرفه (نهم ذی‌حجه) در آخرین سفر حج پیامبر ﷺ سال دهم هجرت.

۳-۱-۲. زمان و مکان نزول آیه

با توجه به تفسیر دوم، وی با استناد به روایاتی از صحابه و تابعین، زمان نزول آیه را روز عرفه سال دهم در آخرین حج پیامبر ﷺ می‌داند و با اجماعی دانستن این مسئله می‌گوید: مورخان و محدثان اتفاق نظر دارند که پیامبر اکرم ﷺ پس از نزول این آیه بیش از ۸۱ یا ۸۲ روز عمر نکرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، صص ۲۸۸-۲۸۷).

۳-۱-۳. علت نزول آیه

فخر رازی علت نزول آیه را چنین می‌داند: قرآن در مقام بیان این نکته است که کفار از اینکه مسلمانان از دین آنها پیروی کنند، ناامید شدند و نیز می‌خواهد به مسلمانان

بگوید بیان خبائث و محرمات سبب کامل شدن فرائض و حدود دین اسلام شد؛ از این رو در بیان مراد از یأس کفار دو قول را بیان می‌کند:

اول: کافران از اینکه دین شما را ابطال کنند و شما نیز این خبائث را حلال شمرده به آنها روی آورید، مأیوس شدند. دوم: کفار از اینکه بر شما غلبه کنند و شما به آیین آنها برگردید مأیوس شدند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۷).

وی با استناد به برخی اقوال صحابه و تابعین می‌گوید:

مراد از اکمال دین، کامل شدن فرائض و حدود است؛ چنان که در روایت آمده است این آیه در روز عرفه در عرفات نازل شده و بعد از آن هیچ حلال و حرامی و حکمی نازل نشده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۸) و نیز مراد از اکمال دین، عدم اختلاط کفار با مسلمین در روز حجة الوداع است؛ چون در جمع حجاج فقط مسلمانان دیده می‌شوند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۷). روایتی نیز در این باره نقل کرده مبنی بر اینکه منظور از اتمام نعمت، کامل شدن دین و شریعت اسلام با تحریم خبائث یاد شده در آیه است و از جمله اتمام نعمت را اکمال دین بیان می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، صص ۲۸۸-۲۸۹).

از این رو وی در تفسیر آیه، در رد استدلال شیعه در دلالت آیه بر امامت علی بن ابی طالب علیه السلام می‌گوید: اگر امامت علی بن ابی طالب علیه السلام از طرف خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین گردیده بود، مخالفان وی طبق آیه از اینکه امامت وی را انکار کنند ناامید می‌شدند، در حالی که صحابه امامت را انکار کردند؛ پس نتیجه این می‌شود که علی بن ابی طالب علیه السلام از طرف خداوند به امامت منسوب نشده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۸).

۳-۱-۴. مبانی فخر رازی

از آنچه در دیدگاه فخر رازی بیان شد می‌توان مهم‌ترین مبانی فخر رازی را در حجیت قول صحابه و تابعین در تفسیر آیات قرآن کریم، حجیت اجماع و اعتقاد به عدم وجود نص برای تعیین امام و اعتقاد به عدم افضلیت امام در تفسیر آیه دانست؛ از این رو

ایشان با استناد به مباحث لفظی و ادبی، استعمال کلمه یوم در آیه را مجازی دانسته که به روز خاص و حادثه ویژه‌ای اشعار ندارد (بنابر تفسیر اول) و تنها از آغاز دوران عظمت اسلام و فرارسیدن دوران یأس و ناامیدی کفار خیر می‌دهد. همچنین با استناد به روایات و اجماعی دانستن زمان و مکان نزول، مراد از واژه یوم را روز عرفه بیان می‌کند (بنابر تفسیر دوم)؛ از این رو آیه در روز عرفه سال دهم هجری در حجة الوداع نازل شده است. او با استناد به سیاق، بدون ذکر روایات مخالف و ذکر اقوال پراکنده بدون ترجیح، می‌گوید آیه در صدد بیان ناامیدی کفار از مسلمانان از پیروی از دین آنها است و نیز بیان خبائث و محرمات سبب کامل شدن دین اسلام شده است و مراد از اتمام نعمت، اکمال دین و شریعت اسلام با بیان خبائث و محرمات است.

۲-۳. دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه

۱-۲-۳. منظور از یوم

علامه طباطبایی در اینکه کلمه یوم به معنای دوره و ایام باشد، سه احتمال مطرح می‌کند: ۱. دوره پیدایش دعوت اسلامی؛ ۲. دوره بعد از فتح مکه؛ ۳. قطعه زمان بین نزول سوره براءت و رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۱۶۹-۱۷۳)؛ سپس وی با نادرست خواندن این احتمالات که واژه یوم به معنای دوره و ایام باشد، نه یک روز خاص که آفتاب در آن طلوع و غروب می‌کند، می‌گوید هنگامی که نتوان گفت مراد از روز دوره پیدایش دعوت اسلامی، یا دوره بعد از فتح مکه، یا بخشی از زمان بین نزول سوره براءت و رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله است، ناگزیر باید گفت مراد از این واژه یک روز معین است و آن، روزی است که آیه در آن روز نازل شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۷۴).

۲-۲-۳. زمان و مکان نزول آیه

علامه طباطبایی بعد از بحثی طولانی درباره آیه و رد احتمالات گوناگون، می‌گوید آیه درباره ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است که با نصب ایشان به ولایت در غدیر خم،

پرپایی دین به وسیله حامل شخصی، به پرپایی دین به وسیله حامل نوعی مبدل شد؛ زیرا تا هنگامی که امر دین وابسته به شخص معینی باشد، دشمنان این آرزو را در سر می‌پروراند که با ازبین رفتن آن شخص دین نیز از بین خواهد رفت؛ ولی وقتی دین از وابستگی به شخص خاص خارج گشت، دیگر دشمنان نمی‌توانند آرزوی نابودی آن دین را داشته باشند. ایشان در ادامه می‌فرماید: یأس کفار حتماً باید به سبب علتی باشد که عقل و اعتبار صحیح آن را تنها عامل ناامیدی کفار بداند و آن این است که خداوند سبحان برای این دین فردی را منصوب کند که جانشین رسول خدا ﷺ باشد و در حفظ دین و تدبیر امر آن و ارشاد امت، مورد اعتماد و جایگزین آن حضرت باشد، به گونه‌ای که جایی برای آرزوی شوم کفار باقی نماند و کفار برای همیشه از ضربه‌زدن به اسلام مأیوس شوند؛ از این رو تا هنگامی که امر دین قائم به شخص معینی باشد، دشمنان می‌توانند آرزو داشته باشند که با ازبین رفتن آن شخص دین نیز از بین برود؛ اما زمانی که قیام به حاملی نوعی شد، آن دین به حد کمال می‌رسد و از حالت حدوث به حالت بقا متحول شده، نعمت این دین تمام می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۱۷۶-۱۷۷).

این وجه خود تأییدکننده روایاتی است که بیانگر نزول آیه شریفه در روز هجدهم ذی‌حجه سال دهم هجرت در غدیر خم درباره ولایت علی علیه السلام است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۷۷).

۳-۲-۳. علت نزول آیه

علامه طباطبایی نزول آیه اکمال را درباره اعلان ولایت امام علی علیه السلام می‌داند؛ از این رو می‌فرماید: امروز مجموع معارف شرعیه‌ای را که بر شما نازل نمودیم، با حکم ولایت کامل کردیم و نعمت خود را که همان نعمت ولایت است، بر شما تمام کردیم؛ چون این تدبیر تا قبل از امروز با ولایت خدا و رسول صورت می‌گرفت و معلوم است که ولایت خدا و رسول تا روزی می‌تواند ادامه داشته باشد که رسول در قید حیات باشد و وحی خدا همچنان بر وی نازل شود؛ اما بعد از رحلت رسول و انقطاع وحی دیگر رسولی در بین مردم نیست تا از دین خدا حمایت و دشمنان را از آن دفع کند؛ پس بر

خدا واجب است برای ادامه تدبیر خودش فردی را منصوب کند و آن شخص همان ولی امر بعد از رسول و قیم بر امور دین و امت او است که مصداق «أُولَى الْأَمْرِ» است؛ پس ولایت که مشروع واحدی است تا قبل از امروز ناقص بود و به حد تام و تمام نرسیده بود، امروز با نصب ولی امر، پس از رسول تمام شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۸۱).

۳-۲-۴. مبانی علامه طباطبایی

علامه طباطبایی علاوه بر استناد به سیاق و بافت زبانی آیه و با اعتقاد به حجیت سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت  در تفسیر آیات قرآن کریم و اعتقاد به وجوب نص در تعیین و افضلیت امام، شأن نزول آیه را اعلام ولایت امام علی  می‌داند. نیز با اعتقاد به دلالت انحصاری آیه به ولایت امام علی ، یوم در آیه را در معنای حقیقی خود و مراد از آن را روز هجدهم ذی حجه سال دهم هجرت معرفی می‌کند؛ از این رو با استناد به ارتباط دو طرف آیه بیان می‌کند مراد از اکمال دین انتصاب حضرت علی  به مقام جانشینی پیامبر اکرم ﷺ است و مراد از اتمام نعمت، نعمت ولایت و امامت است.

۳-۲-۵. بیان استدلال علامه طباطبایی

۱. مراد از «الیوم» در این آیه دوره زمانی نیست، بلکه بنابر ظاهر آیه و شواهد روایی روزی خاص است. «الیوم» در این آیه، که دو بار تکرار شده، اشاره به یک روز دارد، نه آنکه دو روز مراد باشد. قرآن درباره این روز خاص چهار ویژگی ذکر می‌کند: اکمال دین، اتمام نعمت، یأس کفار و خشنودی خداوند برای گزینش دین اسلام برای جامعه مسلمانان. همه این اوصاف مربوط به یک روز مشخص است که باید با یکدیگر پیوند داشته باشند. این روز با این ویژگی‌های منحصر به فرد باید روزی بسیار حساس و نقطه عطفی در تاریخ اسلام به‌شمار آید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۱۶۸-۱۷۰).

۲. در این آیه یأس کفار از دین مطرح شده نه یأس از مسلمانان؛ چون دین بود که بر خواسته‌های نفسانی و طغیان‌های آنان لگام می‌زند و به بهره‌برداری‌های بی‌قید و شرط آنان پایان می‌دهد؛ از این رو آنان اهل دین را هم دشمن می‌دانستند. درحقیقت آنان قصد

نداشتند مسلمانان را هلاک کنند و جمعشان را بپراکنند، بلکه می‌خواستند نور خدا را خاموش سازند و ارکان شرک را دوباره محکم سازند و مؤمنان را با خود همسو کنند و به کفر برگردند (ر.ک: بقره، ۱۰۹). اکنون باید دید در شرایط آخر بعثت چه کسانی به این امر امید و طمع داشته‌اند؟ آنان جز منافقانی که در ظاهر اسلام را پذیرفته و در باطن کافرند، کسی دیگر نیستند؛ پس باید این یأس با توجه به محاسبات منافقان کافر معنا شود، و دین از سوی آنان در معرض خطر بود؛ در غیر این صورت قرآن از یأس آنان سخن نمی‌گفت. خلاصه بعد از تمام تلاش‌هایی که برای محو اسلام داشتند، تنها به یک چیز دل بسته بودند و آن اینکه پیامبر ﷺ از دنیا برود و بتوانند به آرزوی خود برسند؛ اما در روز هجدهم ذی‌حجه سال هجرت، پیامبر ﷺ در راستای اجرای فرمان پروردگار علی بن ابی‌طالب علیه السلام را به ولایت منصوب کرد و به‌طور رسمی خلافت آن حضرت را به همه مسلمانان ابلاغ نمود (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۹؛ سید مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۳۰؛ سیوطی، ۱۹۸۳م، ج ۳، ص ۱۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۲۴۱ و ۲۴۶) تا با انتخاب وی به‌عنوان امام، نبوت قطع و ناتمام نماند، بلکه به سیر تکاملی خود ادامه دهد؛ زیرا امامت تکمیل‌کننده نبوت است و نعمت‌های پروردگار با انتصاب رهبری پس از پیامبر ﷺ تکمیل می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۱۷۰-۱۸۳).

۳. بی‌تردید باید در این روز اتفاقی خاص افتاده باشد تا موجب ویژگی‌های چهارگانه (اکمال دین، اتمام نعمت، یأس کفار، و رضایت پروردگار) شود؛ پس باید حادثه آن روز به گونه‌ای تبیین شود که با موقعیت آن روز و ویژگی‌های چهارگانه آن تناسب و انسجام یابد؛ از این رو تمام وجوهی که علت نزول این آیه و روز نزول آن ذکر شده است، مخدوش می‌شود و تنها دیدگاهی که علت نزول آیه را ولایت امام علی علیه السلام و روز نزول آن را در غدیر می‌داند، ثابت و مورد خدشه نیست (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۱۷۰-۱۸۳).

۴. اشتراکات دو دیدگاه

۴-۱. سوره مائده از آخرین سوره‌های نازل شده

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: اهل حدیث و تاریخ اتفاق دارند بر اینکه سوره

مائده آخرین سوره از سوره‌های مفصل است که در اواخر ایام حیات رسول خدا ﷺ نازل شده است؛ از این رو در روایات شیعه و سنی آمده است در سوره مائده ناسخ هست؛ ولی منسوخ نیست؛ چون بعد از مائده چیزی نازل نشد تا آن را نسخ کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۵۷). فخر رازی نیز بر همین نکته تأکید می‌کند که مورخان و محدثان متفق‌اند که پیامبر ﷺ پس از نزول این آیه بیش از ۸۱ یا ۸۲ روز عمر نکرد و در این مدت چیزی بر احکام اسلام افزوده نشد و چیزی از احکام نیز نسخ نشد و قانونگذاری پایان یافت (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۸)؛ بنابراین سوره مائده از آخرین سوره‌های نازل شده است.

۲-۴. نزول آیه اکمال در حجة الوداع

طبق نظر علامه و تفسیر دوم فخر رازی آیه اکمال در سال دهم هجرت در آخرین حج پیامبر ﷺ نازل شده است، هر چند در تعیین روز آن اختلاف نظر دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۷۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، صص ۲۸۶-۲۸۷).

۳-۴. دلالت دو تعبیر الیوم، بر یک روز مشخص

علامه و فخر رازی اتفاق نظر دارند در اینکه مراد از کلمه «الیوم» که دو بار در آیه اکمال تکرار شده، یک روز یا دوره است؛ یک روز یا دوره‌ای که یأس کفار از دین مسلمانان و اکمال دین خدا در آن رخ داد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۶۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۶).

۵. تفاوت‌های دو دیدگاه

۱-۵. ارتباط بین فقرات آیه

به نظر علامه طباطبایی این بخش از آیه «الْيَوْمَ يَئِسْ... الْإِسْلَامَ دِينًا» جمله معترضه است و به صدر و ذیل آیه هیچ ارتباطی ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۶۷)؛ اما فخر رازی معتقد

است این جمله دراصل نتیجه جملات قبلی است و بیانگر این است که کافران از اینکه دین مسلمانان را ابطال کنند و مسلمانان نیز خباثت یادشده در صدر آیه را حلال شمرند، ناامید شدند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۶).

۲-۵. معنای واژه یوم

علت اصلی به وجود آمدن اختلاف دو دیدگاه به این برمی گردد که مراد از «الیوم» چیست. فخر رازی کاربرد کلمه یوم در آیه را مجازی می داند که نظر به روز خاص و حادثه ویژه ای ندارد (بنا به تفسیر اول) (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۶)؛ ولی علامه معتقد است واژه یوم در معنای حقیقی خود به کار رفته و روز خاصی مراد است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۷۴) و در اینکه مراد از آن روز خاص چه روزی است، میان فخر رازی و علامه طباطبایی اختلاف است (روز عرفه یا روز غدیرخیم).

۳-۵. علت نزول آیه

فخر رازی علت نزول آیه اکمال را بیان ناامیدی کفار از مسلمانان در پیروی از دین آنها و با بیان خباثت و محرمات که سبب کامل شدن فرائض و حدود دین اسلام شود، می داند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۷). علامه طباطبایی نزول آیه اکمال را درباره اعلان ولایت امام علی علیه السلام می داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۸۱).

۴-۵. تبیین عبارات یأس کافران، اکمال دین و اتمام نعمت

فخر رازی در بیان مراد از یأس کفار دو قول را بیان می کند: اول اینکه کافران از اینکه دین شما را ابطال کنند و شما نیز این خباثت را حلال شمرده به آنها روی آورید، مأیوس شدند. دوم اینکه کفار مأیوس شدند از اینکه بر شما غلبه کنند و شما به آیین آنها برگردید. وی می گوید: مراد از اکمال دین، کامل شدن فرائض و حدود است و منظور از اتمام نعمت را کامل شدن دین و شریعت اسلام با تحریم خباثت یادشده در آیه می داند و اکمال دین را از مصادیق اتمام نعمت بیان می کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۸).

علامه طباطبایی مراد از یأس کفار، اکمال دین و اتمام نعمت را اعلام ولایت امام علی علیه السلام می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۸۱).

۶. نقد و بررسی دیدگاه فخر رازی درباره آیه

۶-۱. بررسی تفسیر نخست: تفسیر الیوم به دوره‌ای از زمان

تفسیر الیوم به دوره‌ای از زمان، کاربرد مجازی است که قرینه‌ای بر آن وجود ندارد؛ به عبارت دیگر چرا باید این آیه را همانند این سخن بدانیم که می‌گوید: دیروز جوان بودم و امروز پیر شدم (نجازادگان، ۱۳۹۰، ص ۲۰۳). علامه طباطبایی در نقد این نظر می‌فرماید: اگر مراد از الیوم دوره‌ای از زمان باشد، چند احتمال وجود دارد:

الف) مراد از «الیوم» روز ظهور اسلام و بعثت پیامبر و دعوت ایشان است؛ اما این احتمال درست نیست؛ زیرا ظاهر سیاق آیه این است که مردم دینی داشتند که کفار در باطل کردن یا تغییر دادن آن طمع می‌ورزیدند و مسلمانان درباره دینشان از ایشان می‌ترسیدند و خدا کفار را از آنچه در آن طمع داشتند، ناامید کرد و به مسلمانان ایمنی داد و نیز سیاق آیه می‌رساند که دین مردم ناقص بوده و خدا دین را کامل کرده و نعمتش را بر آنان تمام کرده است؛ در حالی که مردم قبل از اسلام دینی نداشتند که کفار در آن طمع ورزند یا خدا کاملش کند و نعمتش را بر آنان تمام کند. افزون بر آن، لازمه چنین معنایی این است که جمله «الیوم اکملت» بر جمله «الیوم یأس الذین کفرو» مقدم باشد تا نظم کلام درست شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۱۶۸-۱۷۳).

ب) احتمال دیگر آنکه مراد از «الیوم» روزگار بعد از فتح مکه است. این معنی نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا آیه دلالت دارد که دین، کامل شده و نعمت تمام شده است، در حالی که با فتح مکه در سال هشتم هجری، هنوز دین کامل نشده بود و واجبات بسیاری پس از فتح مکه نازل و تشریح گردید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۱۷۰-۱۷۲).

ج) احتمال دیگر اینکه مراد از «الیوم» زمان بعد از نزول سوره براءت است؛ زمانی که تقریباً اسلام بر تمام جزیره‌العرب گسترش یافته و آثار شرک از میان رفته بود. این احتمال نیز درست نیست؛ زیرا مشرکان عرب بعد از نزول آیات براءت و جمع شدن

بساط شرک از جزیره العرب، از دین مسلمانان مأیوس شده بودند؛ اما دین هنوز کامل نشده بود؛ چون بعد از نزول سوره برائت، احکام فراوانی نازل شد. از جمله آن احکامی که در سوره مائده وجود دارد و همه اتفاق دارند که سوره مائده در آخرین دوره زندگی پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و احکام بسیاری درباره حلال حرام و حدود قصاص در بر دارد. نتیجه اینکه اگر مراد از الیوم در آیه دوره‌ای از زمان باشد، با آنچه در بدو نظر از مفاد آیه معلوم می‌شود، مناسبت نخواهد داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۱۷۲-۱۷۳).

۶-۲. بررسی تفسیر دوم: مراد از یوم در آیه روز عرفه

فخر رازی زمان نزول آیه را روز عرفه سال دهم در آخرین حج پیامبر ﷺ می‌داند و می‌گوید مورخان و محدثان اتفاق نظر دارند پیامبر اکرم ﷺ پس از نزول این آیه شریفه بیش از ۸۱ یا ۸۲ روز عمر نکرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، صص ۲۸۷-۲۸۸).

این تفسیر نیز قانع کننده نیست؛ زیرا روز عرفه سال دهم هجرت با عرفه سال نهم و هشتم هجرت چه تفاوتی داشته که آن را ممتاز کرده است؟! همچنین در روز عرفه حادثه خاصی رخ نداده که با اكمال دین مناسبت داشته باشد؛ از این رو علامه طباطبایی در نقد دیدگاه کسانی که مراد از الیوم را روز عرفه حجة الوداع می‌دانند، بیانی دارد که خلاصه آن چنین است:

اگر مراد از یأس از دین، این است که مشرکان قریش از تسلط و غلبه بر دین مسلمانان مأیوس شده‌اند، این امر روز فتح مکه سال هشتم رخ داد، نه روز عرفه در سال دهم هجری و اگر مراد ناامیدی مشرکان عرب از این معنا است، این مطلب نیز که هنگام نزول سوره برائت در سال نهم بوده است. در نتیجه درباره روز عرفه، روز نهم ذی حجه سال دهم هجری باید از جهت دیگری نیز تأمل کنیم و آن این است که این روز چه شأن و مزیتی دارد که با «الیوم اکملت لکم دینکم»، مناسب است؟ ممکن است گفته شود مراد از اكمال دین تکمیل امر حج است که شخص پیامبر ﷺ در آن حج شرکت داشت و به صورت عملی اعمال حج را به ضمیمه گفتن به مردم تعلیم می‌فرمود. اشکال این دیدگاه این است که تنها تعلیم مناسک حج به مردم با توجه به اینکه قبلاً به آنان

دستور حج تمتع را داده بود و با توجه به اینکه قبل از انجام حجة الوداع ارکان دین یعنی نماز و روزه، حج، زکات، جهاد و واجبات دیگر تشییع شده بود، صحیح نیست، اکمال دین نامیده بشود. افزون بر آن این احتمال موجب آن می‌شود که رابطه بند اول (الیوم یئس الذین کفرو) با بند دوم (الیوم اکملت لکم دینکم) قطع شود؛ از این رو ناامید شدن کفار از دین ربطی به اکمال دین با تعلیم حج تمتع پیامبر ﷺ به مردم ندارد. ممکن است گفته شود اکمال دین، بر اثر نازل شدن بقایای حلال و حرام در روز عرفه است؛ زیرا پس از سوره مائده، حلال و حرامی باقی نماند و به واسطه کامل کردن دین، ناامیدی بر دل‌های کفار مسلط و آثار آن بر چهره‌هایشان هویدا گردید. براساس این احتمال لازم است کفاری که در آیه به «الذین کفروا» از آنها تعبیر شده مشخص شوند. اگر مراد کفار عرب باشند، اسلام در آن روز شامل آنها نیز شده بود و در بین آنها کسی نبود که تظاهر به غیراسلام کند. اگر مراد کفار دیگری از ملت‌های دیگر باشند، آنها در آن روز از غلبه بر مسلمانان مأیوس نبودند. همچنین باید در موضوع بسته شدن باب تشریح با نزول سوره مائده در روز عرفه درنگ کنیم؛ زیرا روایات زیادی درباره نزول احکام و فرائضی بعد از روز عرفه به ما رسیده، مانند احکامی که در آیه کلاله (نساء، ۱۷۶) و آیات ربا (بقره، ۲۷۷-۲۷۵) نازل شده است. حتی از عمر روایت شده است که گفت: آخرین آیه‌ای که نازل شد، آیه ربا بود و پس از آن پیامبر وفات یافت و این آیه را برای ما بیان نکرد؛ پس آنچه شما را به شک می‌اندازد، رها کنید و دنبال چیزهایی بروید که شما را دچار شک نکند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۱۴). بخاری نیز از ابن عباس روایت کرده است: آخرین آیه‌ای که بر پیامبر نازل شد، آیه ربا بود و به نقل از براء بن عازب می‌گوید: آخرین آیه، آیه کلاله بود (بخاری، بی تا، ج ۸، ص ۲۵). ممکن است گفته شود مراد از اکمال دین بیان کردن محرمات با بیان تفصیلی است که مسلمانان آن را اخذ و از آن اجتناب کنند و در این بخش از کفار نترسند؛ از این رو کافران با عزتی که خدا به مسلمانان داده و دینشان را عملی کرده و بر آنها غالبشان ساخته از دین مسلمانان ناامید شده‌اند. حاصل سخن اینکه مراد از یوم همان روز عرفه سال حجة الوداع است؛ روزی که این آیه نازل شد و بقیه احکام را بیان کرد و اسلام به واسطه این احکام، اوهام جاهلیت را ابطال کرد و

بشارت داد که مسلمانان بر مشرکان به طور تام و کامل غلبه خواهند یافت و دیگر مسلمانان ناچار به مدارا با مشرکان نیستند؛ پس خدای سبحان در این آیه به مسلمانان خبر می‌دهد کفار از زوال دین مسلمانان ناامید شده‌اند؛ از این رو سزاوار است از غیر خدا ترسند و از هر چه خدا در این آیه به تفصیل نهی فرموده پرهیزند و باز ایستند؛ زیرا کمال دینشان در آن است. اشکال این بیان آن است که خواسته است بین شماری از احتمال‌ها که در این آیه ذکر شده جمع کند تا با هر احتمال اشکالاتی که متوجه احتمالات دیگر است، دفع شود! اما فخر رازی از این مطلب غفلت کرده که اگر سبب یأس مشرکان، ظهور و قوت اسلام باشد، صحیح نیست که گفته شود سبب نزول آیه در روز عرفه، سال دهم هجری است؛ زیرا مشرکان یک سال یا دو سال پیش از آن ناامید شده بودند. لفظی که برای رساندن این معنا وافی بود، این بود که گفته شود «قد یئسوا» یعنی محقق و مسلماً کفار مأیوس شده‌اند. همچنین از این مطلب غفلت کرده‌اند که این آیه بر آیات تحریمی که پیش از آن نازل شده یعنی آیات سوره‌های بقره، انعام و نحل چیزی اضافه ندارد و احکام این آیه نیز از مصادیق همان محرمانی است که در آیات پیش از این آیه ذکر شده‌اند. همچنین صحیح نیست که تشریح احکام، دین نامیده شود و بر فرض قبول، این تحریم‌ها اکمال مقداری از دین و اتمام مقداری از نعمت است نه تمام کردن و کامل کردن همه دین و همه نعمت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۱۶۷-۱۸۳).

اشکال دیگر سخن فخر رازی این است که فاصله روز عرفه تا دوازدهم ربیع‌الاول که به روایت اهل سنت روز رحلت پیامبر ﷺ است، بیش از ۸۱ روز است؛ ولی اگر روز نزول آیه، روز غدیر در نظر گرفته شود، ۸۱ روز صحیح است (امینی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۱۵)؛ زیرا طبق گفته فخر رازی آیه شریفه ۸۱ یا ۸۲ روز قبل از رحلت پیامبر نازل شده است. با توجه به این سخن می‌توان محاسبه کرد که روز نزول آیه شریفه چه زمانی بوده است. اهل سنت معتقدند که پیامبر ﷺ در روز دوازدهم ربیع‌الاول به دنیا آمد و اتفاقاً در روز دوازدهم ربیع‌الاول نیز رحلت فرمود؛ البته این نظریه در بین علمای شیعه نیز طرفدارانی دارد، از جمله مرحوم کلینی معتقد است که تاریخ تولد و وفات پیامبر ﷺ در روز

دوازدهم ربیع‌الاول بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳۹)؛ بنابراین باید ۸۱ روز یا ۸۲ روز از دوازدهم ربیع‌الاول به عقب برگردیم و باتوجه به اینکه سه ماه پشت سرهم سی روز نمی‌شود، همان‌گونه که ۲۹ روز هم نمی‌شود، باید دو ماه را سی‌روزه و یک ماه را ۲۹‌روزه، یا دو ماه را ۲۹‌روزه و یک ماه را سی‌روزه در نظر بگیریم. اگر دو ماه صفر و محرم را ۲۹‌روزه و ماه ذی‌حجه را سی‌روزه در نظر بگیریم، می‌شود ۸۲ روز که روز عید غدیر است و طبق این محاسبه که موافق نظریه علمای اهل سنت است، آیه فوق مربوط به غدیر می‌شود نه روز عرفه! اگر معیار را ۸۱ روز قرار دهیم، مصادف با روز پس از عید غدیر می‌شود و از روز عرفه فاصله زیادی دارد و هیچ هماهنگی با آن ندارد و اگر دو ماه صفر و محرم را سی روز در نظر بگیریم و ماه ذی‌حجه را ۲۹ روز طبق ۸۲ روز نوزدهم ذی‌حجه و طبق ۸۱ روز، بیستم ذی‌حجه زمان نزول آیه می‌شود، یعنی آیه شریفه یک یا دو روز پس از واقعه غدیر و جانشینی علی علیه السلام نازل گشته و ناظر به آن حادثه مهم تاریخی است و هیچ ارتباطی با روز عرفه نخواهد داشت! (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، صص ۵۹-۶۰).

۳-۶. مراد از اکمال دین، کامل شدن فرائض و حدود

فخر رازی می‌گوید: منظور از اکمال دین، کامل شدن فرائض و حدود است؛ چنان‌که در روایتی آمده است این آیه در روز عرفه در عرفات نازل شده و بعد از آن هیچ حلال و حرامی و حکمی نازل نشده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۸).

نقد و بررسی

اولاً: مفسرانی از اهل سنت چون قرطبی گفته‌اند بعد از نزول این آیه آیات بسیاری مثل آیه ربا، آیه کلاله و... نازل شد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۶۲)؛ از این رو نمی‌توان گفت بعد از این آیه حلال و حرامی نازل نشد؛ چنان‌که گفته‌اند احکام قصاص و حدود و... بعد از آن نازل شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۶۲).

ثانیاً: روایتی که نزول آیه را در روز عرفه می‌داند با روایات فریقین، از جمله روایت

ابوسعید خدری (خوارزمی، ۱۴۱۴ق، صص ۱۳۵-۱۳۶؛ ابن مردویه، ۱۴۲۴ق، ص ۲۳۳؛ کوفی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۱۹؛ هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۲۸؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۰۱؛ ابن جریر طبری، ۱۴۱۵ق، صص ۶۸-۴۶۹)، مجاهد (ابن مردویه، ۱۴۲۴ق، ص ۲۳۲)، ابن عباس، جابر، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۲۲۶) به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز روایت زید بن ارقم (کوفی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، صص ۴۳۴-۴۳۵) و ابوهریره (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۸۴؛ ابن بطریق، ۱۴۱۷ق، صص ۹۳-۹۴) که نزول آیه را در هجدهم ذی حجه در غدیر خم می دانند و متواترند، در تضاد است و اعتبار ندارد.

ثالثاً: اگر در این روز فرائض و حلال و حرام نازل شده باعث اتمام و اکمال دین شده باشد، چگونه می تواند موجب یأس و ناامیدی کفار گردد که قبل از آن هم فرائض نازل می شد، ولی کفار به جای یأس و ناامیدی، پیامبر صلی الله علیه و آله را آزار و اذیت می کردند (کاظمی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۰-۱۱۱).

رابعاً: پسندیدن دین اسلام و انتخاب آن در همان روز چرا؟ چرا قبل از آن خداوند رضایت خود را اعلام نکرده بود، در حالی که قبل از آن هم حلال و حرام نازل می گردید (کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱).

خامساً: اگر اکمال دین منظور باشد، اکمال بعضی احکام دین می تواند مراد باشد نه تمام دین؛ چرا که خداوند به طور مطلق می فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي». همچنین خداوند متعال احکام زیادی را در خلال ایام بسیاری بیان کرده است. هم اکنون این حکم در این روز به خصوص دارای چه مزیت مخصوصی است که خدا بیان حکم یا بیان تفصیلی آن را اکمال دین و اتمام نعمت نامیده است؟ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۸۳).

۴-۶. مراد از اکمال دین، عدم اختلاط کفار با مسلمین در روز حجة الوداع

فخر رازی می گوید: مراد از اکمال دین، عدم اختلاط کفار با مسلمین در روز حجة الوداع بوده است؛ چون در جمع حجاج فقط مسلمانها دیده می شوند. روایتی هم در این باره نقل کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۸).

نقد و بررسی

این دیدگاه نیز نمی‌تواند درست باشد، زیرا:

اولاً: اگر بگوئیم مشرکان ممنوع‌الورود بودند و اجازه نداشتند به حج بیت‌الحرام پردازند که این کار موقع نزول سوره براءت در سال نهم هجری انجام شده بود، پس چرا آن موقع این آیه نازل نگردید و حالا یوم مقید به «الیوم اکملت» می‌شود؟ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۶۲).

ثانیاً: خداوند می‌فرماید مشرکان ناامید شده بودند؛ اما آنها فقط حق ورود به خانه خدا را نداشتند، ولی کفاری که خارج از سیطره اسلام بودند، از نابودی اسلام مأیوس نشده بودند؛ آن هم به سبب حج که مثل فریضه نماز است؛ پس باید ناامیدی آنان دلیل دیگری داشته باشد (کاظمی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۱-۱۱۲).

ثالثاً: روایات در این مورد با روایات فریقین تعارض دارد و از اخبار آحاد است و در مقابل تواتر اعتباری ندارد (کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲).

۶-۵. عدم انطباق دلالت آیه با استدلال شیعه

فخر رازی در مقابل دیدگاه شیعه چنین می‌گوید:

اهل تسنن می‌گویند این آیه بر بطلان قول رافضه دلالت دارد؛ زیرا خداوند در این آیه فرمود: کافران از تبدیل دین مأیوس شدند و سپس بر آن با عبارت «پس از آنان نترسید و از من بترسید» تأکید کرد؛ بنابراین اگر امامت علی بن ابی‌طالب علیه السلام از جانب خدا و رسولش به نص تعیین شده و واجب‌الطاعه است، هر کس بخواهد آن را پنهان سازد و تغییر دهد باید به مقتضای این آیه مأیوس می‌شد؛ و لازمه‌اش این بود که هیچ‌یک از صحابه نتوانند این نص را انکار کنند یا آن را تغییر دهند و پنهان سازند و چون چنین امری در کار نیست [و اگر نصی در کار بود انکار نمی‌کردند] دانستیم که این ادعا از رافضه مبنی بر نص بر امامت امام علی دروغ است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۸).

نقد و بررسی

اولاً: اینکه فخر رازی ادعا کرده ذکرى در مورد امامت و ولايت على عليه السلام به میان نیامده و اثر و خبری از آن وجود ندارد، جز انکار حق و سرسختی براساس عناد، چیزی دیگری نمی تواند باشد؛ زیرا گذشته از روایات شیعه در این موضوع که در حدّ مستفیض و بلکه متواتر است، روایاتی هم که از طریق عامه رسیده و دلالت صریح دارد، بر نزول آیه در روز غدیر خم و درباره امامت امیرالمؤمنین علی عليه السلام مستفیض است (ر.ک: یزدی، ۱۳۷۵، صص ۱۰۰-۱۰۱):

۱. از ابی سعید خدری نقل شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را در روز غدیر خم به علی عليه السلام دعوت نمود و امر کرد هرچه خار و خاشاک زیر درخت بود جمع کنند و این واقعه در روز پنجشنبه بود. علی عليه السلام را صدا زد، آن گاه دستان او را گرفت و هر دو را بلند کرد، به حدّی که مردم سفیدی زیر بغل های رسول خدا صلی الله علیه و آله را مشاهده کردند. مردم متفرق نشدند تا اینکه این آیه نازل شد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...». پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ إِكْمَالِ الدِّينِ، وَ إِيْتِمَامِ النُّعْمَةِ، وَ رِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ مِنْ بَعْدِي [ثُمَّ] قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاَهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ» (ابن بطریق، ۱۴۱۷ق، صص ۹۳-۹۴؛ ابن مردویه، ۱۴۲۴ق، ص ۲۳۳؛ با اندکی اختلاف ر.ک: بحرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۳۷؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۰۱).

قریب به همین مضمون، روایت دیگری است که ابوالفتح نطنزی در الخصایص العلویة و سعد بجستانی در الولایة و حاکم حسکانی، ابن عساکر و موفق احمد خوارزمی در المناقب ... (امینی، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۲۳۱-۲۳۴) و ابن جبر در نهج الایمان (ابن جبر، ۱۴۱۸ق، ص ۱۱۵) و شیخ محمد آل عبدالجبار در الشهب الثواقب (آل عبدالجبار، ۱۴۱۸ق، ص ۷۵) نقل کرده اند. همچنین روایت را با مضمونی دیگر که تنها جمله «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله» را ندارد، ابن مردویه از مجاهد در کتاب مناقب علی بن ابی طالب عليه السلام نقل کرده است (ابن مردویه، ۱۴۲۴ق، ص ۲۳۲).

۲. خطیب بغدادی به نقل از ابی هریره آورده است: «هر کس در روز هجدهم ذی حجه روزه بگیرد، ثواب شصت ماه روزه بر او نوشته خواهد شد. آن روز غدیر خم

است، زمانی که پیامبر ﷺ دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود: آیا من ولی مؤمنین نیستم؟ گفتند: آری ای رسول خدا! فرمود: هر که من مولای اویم پس علی مولای او است. عمر بن خطاب گفت: مبارک باد، مبارک باد ای پسر ابی طالب! تو مولای من و مولای هر مسلمان شدی. آن گاه خداوند این آیه را نازل کرد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۸۴).

ثانیاً: آیه شریفه درباره یأس کفار (مشرکین، یهود و نصاری) از دین است، نه درباره تغییر نص امامت و ولایت امیرالمؤمنین ﷺ توسط بعضی صحابه (مسلمان). حتی آیه شریفه نفرموده است: «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالْمُنَافِقِينَ» یا «بئس المنافقين یا بئس بعض الصحابه»، بلکه فرمود: «يئس الذين كفروا...». فخر رازی با اینکه خودش در ذیل همین آیه چند بار به صراحت گفته منظور این است که کفار از غلبه بر دین و از بین بردن آن مأیوس شدند و در این هنگام خدای تعالی فرمود «الْيَوْمَ يئس الذين كفروا...» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، صص ۲۸۶-۲۸۸) برخلاف سخن خود می گوید: «به مقتضای این آیه لازم می آید که احدی از صحابه قادر بر تغییر نص امامت علی بن ابی طالب نبوده، بلکه از تغییر و پوشیده داشتن آن مأیوس باشند» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، صص ۲۸۶-۲۸۸).

ثالثاً: این گفته فخر رازی که مخالفان امامت امام علی ﷺ، طبق آیه اکمال باید از انکار امامت ناامید می شدند و حال آنکه ناامید نشدن و انکار کردند. دلیل بر درستی رفتار آنان نمی شود، زیرا در آیه اکمال سخن از یأس و ناامیدی کافران است، حال اینکه منکران امامت، از امت اسلام بودند و خود را در زمره مسلمانان می دانستند؛ بنابراین لزومی نداشت که یأس و ناامیدی ذکر شده در آیه را بر خود هموار کنند (بزدی، ۱۳۷۵، صص ۱۰۰-۱۰۱).

نتیجه گیری

۱. فخر رازی و علامه طباطبایی، در برخی مسائل درباره آیه از جمله در نوع نگاه درون متنی به آیه اکمال اتفاق نظر دارند و مسئله اصلی مورد اختلاف در تفسیر این آیه، در دو امر زمان نزول و علت نزول آیه است.

۲. اساس مناقشه‌های فخر رازی به دیدگاه شیعه بر ارزیابی و نقد درباره اعتبار روایاتی است که نزول آیه را در غدیر خم می‌دانند.

۳. از مهم‌ترین مبانی فخر رازی در تعیین موارد اختلافی حجیت قول صحابه و تابعین در تفسیر آیه، حجیت اجماع، اعتقاد به عدم وجود نص برای تعیین امام است و با استناد به سیاق و مباحث لفظی ادبی، بدون ذکر روایات مخالف، به تفسیر آیه می‌پردازد. در مقابل حجیت سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت  در تفسیر قرآن، اعتقاد به وجوب نص در تعیین امام و توجه به روایات صحیح اسباب نزول و دلالت انحصاری آیه بر علی  از مهم‌ترین مبانی علامه طباطبایی در تبیین دلالت آیه است.

۴. فخر رازی است معتقد است منظور از «الیوم» می‌تواند «دوره‌ای از زمان» و علت نزول «آغاز دوران عظمت اسلام» یا «روز عرفه» و علت نزول «ناامیدی کفار از مسلمانان از پیروی از دین آنها و کامل شدن فرائض و حدود دین اسلام» است.

۵. علامه طباطبایی با نادرست دانستن احتمالات اینکه کلمه «یوم» به معنای دوره و ایام باشد، مراد از این کلمه را یک روز معین می‌داند که آیه شریفه در آن روز نازل شده است و آن روز، روز غدیر خم و علت نزول اعلام ولایت علی  است؛ بنابراین با رد دیدگاه فخر رازی و با در نظر گرفتن روایات صحیح، زمانی «یأس کفار»، «اکمال دین»، «اتمام نعمت» و «رضایت پروردگار از دین» تحقق می‌یابد که خدا برای دین کسی را منصوب کند که قائم مقام پیامبر اکرم ﷺ در همه شئون ولایت ایشان باشد و آن شخص کسی جز حضرت علی  نیست.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آل عبد الجبار، الشيخ محمد. (۱۴۱۸ق). شهب الثواقب لرجم شياطين النواصب (محقق: حلمی السنان). قم: الهادی.
۲. ابن بطریق، الحافظ. (۱۴۱۷ق). خصائص الوحي المبين (محقق: الشيخ مالك المحمودی). قم: دار القرآن الكريم - نگیں.
۳. ابن جبر. (۱۴۱۸ق). نهج الإيمان (محقق: السيد أحمد الحسينی). قم: ستاره، الأولى.
۴. ابن جریر طبری، محمد. (۱۴۱۵ق). المسترشد (محقق: الشيخ أحمد المحمودی). قم: مؤسسة الثقافة الإسلامية.
۵. ابن شهر آشوب. (۱۳۷۶). مناقب آل أبي طالب. النجف الأشرف: المكتبة المكتبة الحيدرية.
۶. ابن مردويه الأصفهانی، أبي بكر أحمد بن موسى. (۱۴۲۴ق). مناقب علي بن أبي طالب وما نزل من القرآن في علي (چاپ دوم، جمعه و قدم له: عبدالرزاق محمد حسين حرز الدين). قم: دار الحديث.
۷. امینی، عبدالحسين. (۱۳۷۲). الغدير في الكتاب و السن (چاپ دوم). تهران: دارالکتب الاسلاميه.
۸. انيس، ابراهيم؛ عبدالحليم منتصر؛ عطيه الصوالحي و خلف احمد، محمد. (۱۳۸۹). المعجم الوسيط (عربی - فارسی) (مترجم: محمد بندری بیگی، چاپ سوم). قم: انتشارات اسلامی.
۹. پالمر، ریچارد. (۱۳۷۷). علم هرمنوتیک (مترجم: سعید حنایی کاشانی). تهران: هرمس.
۱۰. بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۲۲ق). غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاص و العام. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل. (بی تا). صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر.
۱۲. جاسپر، دایفید. (۲۰۰۷م). مقدمه فی الهرمینوطیقا (مترجم: وجیه قانصو). الجزائر: الدار العربیه العلوم.
۱۳. حسکانی، عید الله بن احمد. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

۱۴. خطیب بغدادی. (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد (محقق: مصطفی عبدالقادر عطا). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. خوارزمی، موفق. (۱۴۱۴ق). المناقب (محقق: الشیخ مالک المحمودی، چاپ دوم). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۶ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دار الشامیه.
۱۷. سیوطی، جلال الدین. (۱۹۸۳م). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. بیروت: دار الفکر.
۱۸. سیدمرتضی، علی بن الحسین. (۱۴۱۰ق). الشافی فی الامامه (محقق: السید عبدالزهر الحسینی). قم: مؤسسه الصادق.
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.
۲۱. فخررازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (چاپ سوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۶ق). بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز. قاهره: احیاء التراث الاسلامی.
۲۳. فیومی، احمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر. قم: مؤسسه دار الهجره.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۲۵. کاظمی، سید ارشد حسین. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی آیات تبلیغ و اکمال از دیدگاه فریقین. مجله طلوع نور (طلوع)، (شماره ۱۸)، صص ۹۵-۱۲۰.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (محقق/مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. کوفی، محمد بن سلیمان. (۱۴۱۲ق). مناقب الإمام أمير المؤمنين (محقق: محمد باقر محمودی). قم: مجمع احیاء الثقافه الإسلامیه.
۲۸. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. قم: صدرا.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۱). آیات ولایت در قرآن. قم: انتشارات نسل جوان.

۳۱. نجارزادگان، فتح‌الله. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام در دیدگاه فریقین (چاپ سوم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۲. هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵ق). کتاب سلیم بن قیس الهلالی. قم: الهادی.
۳۳. یزدی، محمدجواد. (۱۳۷۵). پاسخ به شبهات فخر رازی در مسأله امامت. کیهان اندیشه، (شماره ۶۸)، صص ۸۹-۱۱۴.



References

* The Holy Quran.

1. AL-Abdul Jabbar, Sh. M. (1418 AH). *Shohob al-Thawaqib lerajm Shayatin al-Nawasib*. (Hlemi Al.Sanan, Ed.). Qom: AL.Hadi. [In Arabic]
2. Amini, A. (1372 AP). *AL-Ghadir fi Kitab va al.Sin*. (2nd ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Ilmiah. [In Persian]
3. Anis, E., & Montaser., A. H & Atiyah AL.Savalehi., A & Khalaf Ahmad, M. (1389 AP). *AL-Mujam al-Wasit*. (Arabic - Persian): (Bandari Beigi, M. Trans. 3rd ed.). Qom: Islamic Publications. [In Persian]
4. Bahrani, S. H. (1422 AH). *Qayat al-Maram va Jojat al-Khasam fi Taeen al-Imam min Tariq al-Khas va al-Am*. Beirut: AL-Tarikh al-Arabi Institute. [In Arabic]
5. Bukhari, M. (n.d.). *Sahih al-Bukhari*. Beirut: Dar al-Fikr le Taba'ah va al-Nashr.
6. Fakhr Razi, A. (1420 AH). *Mafatih al-Qaib*. (3rd ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
7. Fayumi, A. (1414 AH). *AL-Misbah al-Munir*. Qom: Dar AL-Hijra Institute. [In Arabic]
8. Firuzabadi, M. (1406 AH). *Basa'ir Zawe al-Tameez fi Lata'if al-Kitab al-Aziz*. Cairo: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
9. Haskani, O. (1411 AH). *Shawahid al-Tanzil le Qawa'id al-Tafzil*. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance. [In Arabic]
10. Helali, S. (1405 AH). *Kitab Salim bin Qais AL-Hilali*. Qom: AL.Hadi. [In Arabic]
11. Ibn Batriq, A. (1417 AH). *Khasa'is al-Wahy AL-Mobin*. (AL.Mahmoudi, Sh. M, Ed.). Qom: Dar ALQuran ALKarim - Negin. [In Arabic]
12. Ibn Jabr. (1418 AH). *Nahj al-Iman*. (AL.Husseini, S. A, Ed.). Qom: Setareh, AL-Owla. [In Arabic]

13. Ibn Jarir Tabari, M. (1415 AH). *Al-Mustarshid*. (ALMahmoudi, SH. A. Ed.). Qom: Islamic Culture Foundation. [In Arabic]
14. Ibn Marduyah ALIsfahani, A. (1424 AH). *Manaqib Ali Ibn Abi Talib va ma Nazal min al-Qur'an fi Ali*. (2nd ed., Jom'eh. Abdul Razzaq Muhammad Hussein Harz al.Din). Qom: Dar AL.Hadith. [In Arabic]
15. Ibn Shahr Ashoub. (1376 AP). *Manaqib Al Abi Talib*. Najaf: al.Maktabah al-Heidariah. [In Persian]
16. Jasper, D. (2007). *Introduction to Hermeneutics*. (Wajih Qansu, Trans.). Algeria: AL.Dar AL.Arabiya AL.Ulum.
17. Kazemi, S. A. H. (1385 AP). A comparative study of the verses of propaganda and completion from the point of view of the two parties. *Tolou' Noor Magazine (Tolou')*, (No. 18), pp. 95-120. [In Persian]
18. Kharazmi, M. (1414 AH). *AL-Manaqib*. (ALMahmoudi, Sh. M. Ed.). (2nd ed.). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
19. Khatib Baghdadi. (1417 AH). *History of Baghdad*. (Abdul Qadir Atta, M. Ed.). Beirut: Dar AL.Kotob AL.Ilmiyah. [In Arabic]
20. Koleyni, M. (1407 AH). *AL-Kafi*. (Ghaffari, A. A., & Akhundi, M. Ed.). Tehran: Dar al.Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
21. Kufi, M. (1412 AH). *Manaqib AL-Imam Amir AL-Mu'minin*. (Mahmoodi, M. B. Ed.). Qom: Islamic Culture Revival Association. [In Arabic]
22. Makarem Shirazi, N. (1381 AP). *Verses of Wilayah in the Qur'an*. Qom: Young Generation Publications. [In Persian]
23. Motahari, M. (1372 AP). *Collection of works of Shahid Motahari*. Qom: Sadra. [In Persian]
24. Mustafavi, H. (1360 AP). *Research in the words of the Qur'an*. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian]
25. Najar zadegan, F. (1390 AP). *A Comparative Study of the Interpretation of the Verses of the Ahl al-Bayt Guardianship in the Perspective of the Fariqain*. (3rd ed.). Qom: Research Institute for Hawzah and University. [In Persian]
26. Palmer, R. (1377 AP). *Hermeneutics*. (Hanaei Kashani, S. Trans.). Tehran: Hermes. [In Persian]

27. Qurtubi, M. (1364 AP). *The comprehensive rules of the Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian]
28. Ragheb Esfahani, H. (1416 AH). *Mufradat Alfaz Qur'an*. Beirut: Dar al-Shamiya. [In Arabic]
29. Sayyid Murtadha, A. (1410 AH). *Al-Shafi Fi Al-Imamah*. (Abdul Zahra Al-Husseini, S. Ed.). Qom: ALSadiq Institute. [In Arabic]
30. Soyouti, J. (1983). *Al-Dor al-Manthur fi Tafsir al-Ma'thour*. Beirut: Dar al-Fikr.
31. Tabari, M. (1412 AH). *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Maarefa. [In Arabic]
32. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
33. Yazdi, M. J. (1375 AP). Answering Fakhr Razi's doubts on the issue of Imamate. *Kayhan Andisheh*, (68), pp. 89-114. [In Persian]

